



تذكرة السامع والمتكلم في ادب العالم والمتعلم، از ابن جماعة کنانی. به اهتمام سید محمد هاشم ندوی. دایرة المعارف العثمانیه. حیدرآباد هند. ۱۳۵۴ هـ. ق. ۲۳۶ صفحه (افست شده در بیروت، دارالکتب العلمیه، بدون تاریخ)

کتابی در آداب

مؤلف کتاب قاضی القضاة ابو عبدالله محمد بن ابراهيم بن سعد الله بن جماعة کنانی حموی ملقب به بدرالدین از دانشمندان بزرگ قرن هفتم و هشتم در سال ۶۳۹ در حماة از بلاد شام تولد یافت و در سال ۷۲۳ در مصر درگذشت. او به تناوب در مصر و شام به شغل قضا و تدریس و خطابه اشتغال داشت و از همین جهت او را «حاكم الاقليمين» می گفتند. ابن جماعة سالها در مدرسه قیمریه دمشق به تدریس علم حدیث و فقه و اصول و تفسیر پرداخت و آثار فراوانی از خود برجای گذاشت از جمله: کشف معانی القرآن، مناسک الحج، علوم الحدیث، فی الکنايس و احکامها، فی الاسطراب مورد کتاب اخیر، معروف است که وی به شاگرد خود شمس الدین ابن الحافظ که برای خواندن آن در «بيت الخطابة» نزد او می آمد سفارش کرده بود که آلت اسطراب را پنهان نگاه دارد زیرا يك نفر از اهل مغرب به عنوان اعتراض به او گفته بود که شاگردش آلت زندقه در آستین دارد. (برای آگاهی بیشتر از شرح حال او رجوع کنید به: طبقات المفسرين، داودی، ج ۲، ص ۲۸؛ الوافی بالوفیات، صفدی، ج ۲، ص ۱۸؛ البدایة والنهایة، ابن کثیر، ج ۱۴، ص ۱۶۳؛ النجوم الزاهرة، ابن تغری بردی، ج ۹، ص ۲۹۸؛ حسن المحاصره، سیوطی، ج ۱، ص ۲۴۰، و سایر کتب طبقات علما و تراجم احوال دانشمندان).

کتاب در موضوع خود جامع و کامل است خواننده را از کتابهایی، نظیر مختصر کتاب العالم والمتعلم ترمذی و الرحلة فی طلب الحدیث حافظ علی بن ثابت و أدب الاملاء والاستملاء عبدالکریم سمعانی و دهها کتاب دیگر در این مباحث بی نیاز می کند. و بسیار مناسب است که اکنون که کتاب منیة المرید فی آداب المفید والمستفید شهید ثانی - رضوان الله علیه - به همت دکتر محمد باقر حاجتی به فارسی برگردانده شده، این کتاب نیز که تقریباً دو قرن پیش از آن نوشته شده به وسیله استادان تعلیم و تربیت به فارسی ترجمه شود تا اظهار نظر درباره تعلیم و تربیت اسلامی براساس مدارک اصیلی که نشان دهنده روش عملی آن فن است صورت گیرد.

برای تحقق این منظور، این کتاب را چند گاهی به امانت به استاد فقید دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران مرحوم دکتر فریدون بازرگان دیلمقانی داده بودم. او بسیار ارزشمند بود که پس از باز یافتن سلامت خود به ترجمه آن مبادرت ورزد ولی دریغاً که: «ای بسا آرزو که خاک شده».

راقم این سطور چند سال پیش برای ایراد خطابه‌ای در یکی از دانشگاه‌های خارجی تحت عنوان: «تعلیم و تعلّم در جوامع سنتی اسلامی در مقایسه با کیفیت تعلیم و تعلّم در جهان امروزی» رونوشت مباحث چند کتاب از جمله تذکرة السامع والمتکلم را تلخیص و ترجمه کرده بود تا در آن سخنرانی از آن مطالب استفاده کند و اکنون مناسب می‌داند که به منظور معرفی یکی از مهمترین کتابهای تعلیم و تربیت اسلامی آن یادداشتها چاپ و منتشر گردد. امید است که معلمان و متعلمان را به کار آید و مبتدیان و متهمیان را بصیرت افزایش دهد. بعون الله و توفیقہ تعالیٰ.

فکائما أكرم سبعین شهیداً» - هر که دانشمندی را گرامی دارد گویی هفتاد پیمبر را گرامی داشته است و هر که دانشجویی را گرامی دارد گویی هفتاد شهید را گرامی داشته است.

در فضیلت دانش و دانشمندان و فضیلت تعلیم و تعلّم
الف) آیات قرآنی

۱- «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات» ابن

آداب استاد نسبت به خود

۱- خدا را در آشکار و پنهان مراقب باشد و در جمیع حرکات و سکنتات و گفتار و کردارش او را ناظر بداند.

۲- در نگاهداشت عزت و شرف علم پایداری کند و با سپردن به ناهلان آن را خوار نسازد.

۳- به یازسایبی و کم‌خواهی خو کند و از دنیا به اندازه‌ای که به خود و خانواده‌اش زیان نرسد بجوید.

۴- دانش خود را نزدیانی برای رسیدن به اغراض دنیوی همچون جاه و مال و شهرت نسازد.

۵- از پیشه‌های پست و مواضع تهمت دوری جوید و گرد آنچه که شرعاً و عرفاً مکروه است نگرند.

۶- برقیام به شعائر اسلام و ظواهر احکام همچون نماز در مساجد و سلام به خواص و عوام همت ورزد.

۷- بر مستحبات شرعی اعم از قولی و فعلی همچون تلاوت قرآن و ذکر خدا یا دل و زبان پایداری کند.

۸- با مردم با خوشرویی برابر گردد و با روی گشاده بر سلام سبقت جوید و خویشان را از خشم نگه دارد.

۹- ظاهر و باطن خود را از اخلاق پست همچون حسد و دشمنی و ریا باز دارد و به اخلاق نیک آراسته گرداند.

۱۰- برجد و جهد و مطالعه و فکر کوشا باشد و عمر خود را در غیر علم و عمل تباه نسازد و در خوردن و نوشیدن به ضرورت اکتفا کند.

۱۱- چیزی را که نمی‌داند از فرا گرفتن آن، هر چند از کسانی که در مرتبه‌ای پایینتر از او هستند، دریغ نورزد.

۱۲- همت خود را پیوسته بر اشتغال به تصنیف و جمع و تألیف معطوف دارد تا بر حقایق علوم آگاه گردد.

ستادی و دانشجویی در اسلام

دکتر مهدی محقق

عباس گفته است: دانشمندان برتر از مؤمنان اند به صد درجه که میان هر دو درجه یکصد سال است.

۲- «شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة و اولو العلم قائماً بالقسط» در این آیه خداوند نخست از خود و پس از آن از فرشتگان و سپس از اهل دانش یاد کرده و همین خود برای شرف و فضل و بزرگی دانشمندان کافی است.

۳- «انما یخشی الله من عباده العلماء» و نیز «اولئك هم خیر البریه» تا «ذلك لمن خشی ربه» در آیه اول می‌فرماید فقط اهل علم از خدا می‌ترسند و در آیه دوم می‌فرماید آنان که از خدا می‌ترسند بهترین مردمانند؛ نتیجه آنکه دانشمندان بهترین مردمانند.

ب) احادیث نبوی

۱- «من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین» - هر که را که خدا خیر ببخاورد او را فقیه در دین می‌گرداند.

۲- «العلماء ورثة الانبیاء» - دانشمندان وارثان پیمبرانند.

۳- «من أكرم عالماً فکائما أكرم سبعین نبیاً، و من أكرم متعلماً

آداب استاد نسبت به درس

- ۱- هنگام ورود به مجلس درس پاکیزه و خوش بوی و خوش لباس باشد که این نشانه تعظیم علم است.
- ۲- هنگام بیرون آمدن از خانه برای تدریس دعا کند که خدایا به تو پناه می برم از اینکه گمراه شوم یا گمراه سازم.
- ۳- در مجلس درس برجسته بنشیند و فاضلتران و سالخوردگان و اهل صلاح را احترام بیش کند.
- ۴- پیش از شروع به درس و بحث پاره ای از قرآن را جهت تیمن و تبرک قرائت کند.
- ۵- وقتی که عهده دار درسهای متعدد است از شریفترین و مهمترین آنها آغاز کند.
- ۶- صدای خود را بیش از نیاز بلند نکند و چندان آرام هم سخن نگوید که فایده درس فوت شود.
- ۷- مجلس درس را از لفظ (سروصدا) حفظ کند، زیرا غلط در زیر لفظ است و جهات بحث را مختلف نگرداند.
- ۸- با کسی که در بحث تجاوز کند و یا عنادی آشکار سازد و یا بی ادبی و ترک انصاف کند به تندی رفتار نماید.
- ۹- انصاف را در بحث مراعات کند و پرسشها را از پرسش کنندگان هر چند کوچک باشند بشنود.
- ۱۰- اگر غریبی به مجلس درس او حاضر شود با او ملاحظت و گشاده رویی کند و با چشم بیگانه به او ننگرد.
- ۱۱- درس خود را با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز و با «الله اعلم» ختم کند.
- ۱۲- اگر شایستگی تدریس را ندارد آن را نپذیرد و همچنین تدریس علمی را که نمی داند قبول نکند هر چند واقف مدرسه چنین شرطی را نکرده باشد.

آداب استاد نسبت به دانشجویان

- ۱- هدف او از تعلیم آنان رضای خدا و نشر علم و احیای شرع و اظهار حق و اخفای باطل باشد.
- ۲- دانشجویان را به علت عدم خلوص نیت از علم محروم نگرداند زیرا خلوص نیت خود به برکت علم حاصل شود.
- ۳- دانشجویان را با ذکر آیات و احادیث در فضیلت علم و علما، به علم و طلب آن تشویق و ترغیب کند.
- ۴- آنچه را که برای خود دوست دارد برای آنان بخواهد و آنچه را که ناخوش دارد برای آنان نخواهد.
- ۵- سهولت القاء در تعلیم و حسن تلافی در تفهیم را به آنان ارزانی

دارد خصوصاً اگر شایستگی آن را داشته باشند.

- ۶- نهایت کوشش خود را بر تعلیم و تفهیم به دانشجویان مبذول دارد و از توضیح و شرح و تکرار خودداری نکند.
- ۷- هرگاه از درس فارغ شد مسائلی را بر دانشجویان طرح کند تا فهم و ضبط آنان را بیازماید.
- ۸- از دانشجویان گاه گاه بخواهد که محفوظات خود را برای او بازگو کنند تا از نیروی ضبط آنان اختبار نماید.
- ۹- اگر دانشجویی را دید که افزون بر توان خود می کوشد او را به رفق و اعتدال و توجه به نفس توصیه کند.
- ۱۰- قواعد اساسی علم مورد بحث را برای دانشجویان بیان کند و نیز به ذکر منابع آنها بپردازد.
- ۱۱- برخی از دانشجویان را بر برخی دیگر - در صورتی که در سن و فضیلت و تحصیل و دیانت برابری - در دوستی و توجه برتر ندارد.
- ۱۲- مراقب آداب و راست روی و اخلاق باطنی و ظاهری دانشجویان خود باشد.
- ۱۳- در مصالح دانشجویان و آرام ساختن دل آنان و مساعدت به آنان تا آنجا که می تواند بکوشد.
- ۱۴- جانب تواضع را با دانشجویان رعایت نماید. خداوند به پیغمبر فرمود: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ».

آداب دانشجو نسبت به خود

- ۱- دل خود را از ناپاکی و حسد و غل و غش و سوء عقیده و خوی بد پاکیزه نگهدارد تا پذیرای علم و دانش گردد.
- ۲- در طلب علم حسن نیت داشته باشد و رضای خدا و احیای شریعت و آراستن باطن را قصد کند.
- ۳- در جوانی به جستن علم پیشی گیرد و آن را به آینده موکول نگرداند زیرا هر ساعتی که از عمر می گذرد آن را عوضی نیست.
- ۴- در خوردنیها و پوشیدنیها قناعت ورزد زیرا با تنگی زندگی به فراخی دانش توان رسید.
- ۵- اوقات شب و روز خود را قسمت کند و بازمانده عمر خود را غنیمت شمارد که ارزشی برای آن متصور نیست.
- ۶- به کم خوردن عادت کند تا زیانی به اشتغال و فهم او وارد نشود

کمک جوید و مکتوبات شرعی را باز کرده به او بدهد.
۱۳- هنگام راه رفتن در شب جلو استاد و در روز به دنبال او راه
برود مگر آنکه مقتضی حال خلاف آن باشد.

آداب دانشجو نسبت به درس

۱- در آغاز کتاب الله را بخواند و حفظ کند و در تفسیرش بکوشد
که آن اصل و پایه همه علوم است.
۲- در ابتدای تحصیل خود را به مسائل مورد اختلاف میان علما
مشغول نسازد تا فکرش آشفته نگردد.
۳- آنچه را که می خواند قبلاً یا کمک استاد تصحیح کند سپس به
حفظ و تلقین و تکرار آن بپردازد.
۴- به سماع حدیث اشتغال ورزد و توجه به استاد و رجال و معانی و
احکام و لغت و تاریخ آن داشته باشد.

۵- نخست از کتابهای مختصر شروع کند و پس از دریافت فوائد
و اشکالات به کتابهای مفصل بپردازد.

۶- مجلس تدریس و اقراء استاد را ترك نگوید زیرا مجلس او خیر
و تحصیل و ادب و تفضیل را همراه دارد.

۷- هنگام ورود به مجلس درس برحاضران سلام کند چنان که همه
بشنوند و استاد را به زیادتى تحیت مخصوص گرداند.

۸- با حاضران مجلس درس با ادب و احترام رفتار کند و در میان
سخن همدرسان مگر با اجازه آنان سخن نگوید.

۹- از پرسیدن آنچه که نمی داند شرم ندارد و در سؤال جانب لطف
ادب و حسن خطاب را رعایت کند.

۱۰- در پرسش از استاد رعایت نوبت دیگران را بکند مگر در مورد
غریبا که حرمت تقدم آنان واجب است.

۱۱- در پیش روی استاد با ادب بنشیند و کتاب خود را همراه دارد
و آن را روی زمین باز نگه ندارد.

۱۲- هرگاه نوبت خواندن او رسید با استعاضت از شیطان و ذکر
بسم الله و حمد و درود برپیغمبر (ص) آغاز کند.

۱۳- دانشجویان دیگر را به علم ترغیب کند و از فوائد و قواعدی
که خود استفاده کرده آنان را آگاه سازد.

آداب دانشجو با کتاب

۱- در به دست آوردن کتابهای مورد نیاز همت گمارد و اگر کتابی را
نمی تواند بخرد اجاره کند و یا امانت بگیرد.

۲- کتاب خود را برای امانت دادن به کسانی که زیبایی بدان وارد
نمی سازند عرضه دارد.

و در طلب علم خسته و ملول نگردد.

۷- در همه شؤون زندگی جانب پرهیز و ورع و تحری حلال را نگه
دارد تا دلش نورانی و پذیرای علم گردد.

۸- از خوردنیهایی که موجب کودنی و ناتوانی حواس، خاصه
فرااموشی، می شود اجتناب کند.

۹- از خواب خود بکاهد تا آنجا که زیانی برای بدن و ذهنش نداشته
باشد و خوابش از هشت ساعت در شبانه روز زیادتى نشود.

۱۰- از معاشرتهایی که موجب تضییع وقت و اتلاف مال و رفتن
آبرو است پرهیز کند.

آداب دانشجو نسبت به استاد

۱- استادی را برگزیند که دارای حسن اخلاق و شایستگی علمی و
دینی و مروت و عفت باشد.

۲- همواره مطیع استاد باشد همچون بیمار نسبت به پزشک و
رضایت او را بجوید و به حرمت او مبادرت ورزد.

۳- با دیده تعظیم به او بنگرد و به درجه کمال او معتقد باشد تا بیشتر
سود عاید او شود.

۴- نسبت به او حق شناس باشد و فضل او را به فرااموشی نسپارد و
غیبت او را استماع نکند.

۵- بر جور و بدخویی استاد شکبیا باشد و اعمال او را که ناصواب
به نظر می آید با خوبی تأویل و توجیه کند.

۶- اگر استاد او را بر فضیلتها تشویق و بر تنقیصها توبیخ کند
دانشجو سپاسگزار باشد.

۷- هرگاه در جلسه ای خاص وارد بر استاد می شود، چه استاد تنها و
چه غیر تنها باشد، باید مسبوق به اجازه باشد.

۸- در برابر استاد مؤدب بنشیند - همچون کودکی در برابر
آموزگارش - و خضوع و خشوع را رعایت کند.

۹- با استاد حسن خطاب داشته باشد و در برابر او جمله های
«برای چه»، «قبول ندارم»، «این را مگوی» را بر زبان نیارد.

۱۰- هرگاه استاد مسأله یا فایده ای را عنوان می کند و یا شعر و
حکایتی به زبان می آورد با شادی و حرص گوش فرا دهد.

۱۱- در شرح مسائل و پاسخ پرسشها بر استاد سبقت نجوید مگر
اینکه استاد خود آن را خواسته باشد.

۱۲- در گرفتن چیزی از استاد و دادن چیزی به او از دست راست

۳- هرگاه کتابی را می‌خواند و یا استنساخ می‌کند آن را باز روی زمین نگذارد بلکه در میان دو کتاب قرار دهد.

۴- هرگاه کتابی را امانت می‌گیرد به موقع آن را رد کند و کتابی را که می‌خرد صفحه‌بینی کند که ناقص نباشد.

۵- کتابهای علوم شرعی را با طهارت بدن و جامه و روی به قبله استنساخ کند و با بسم‌الله آغاز نماید.

۶- از ریز نوشتن اجتناب ورزد تا در هنگام پیری که بینایی ناتوان می‌گردد دچار رنج نشود.

۷- کتابها را با مقابله با اضل و یا با قرائت بر استاد تصحیح کند و نشانه‌های لازم را بگذارد.

۸- هرگاه مطلبی را با حاشیه می‌خواهد توضیح دهد آن حاشیه را در طرف راست بیاورد و با خطی به اصل مرتبط سازد.

۹- اگر در حواشی کتابی که مالک آن است حواشی و فوائد و تنبیهات مهم را بنویسد اشکالی ندارد.

۱۰- ابواب و تراجم و فصول را با خط سرخ مشخص سازد و گرنه هر نشانه‌ای که خود می‌خواهد بگذارد.

۱۱- در موارد اصلاح کتاب پاک کردن بهتر از تراشیدن است خاصه در کتب حدیث که مورد تهمت و جهل است.

۹- اگر در مسجد یا محل اجتماع طلاب ساکن می‌شود در نگاه‌داشت و نظافت آن اهتمام ورزد.

۱۰- بدون دلیل بردرگاه مدرسه نشیند زیرا ممکن است استادی بزرگ با طعامی اندک از آنجا عبور کند و نخواهد در برابر دانشجویانش دیده شود.

۱۱- از پنجره اطاق خود به منازل اطراف ننگرد و صدایش را بلند نکند و درها را به آرامی باز و بسته گرداند تا مزاحم دیگران نشود.

۱۲- پیش از استاد در محل درس حضور یابد و حضورش در مجلس درس همراه با احسن الهیات و اکمل الطهارات باشد و موقع درس از خوابیدن و خندیدن و سخن گفتن بپرهیزد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اتحاد عا

آداب سکونت در مدارس

۱- مدرسه‌ای را برای سکونت برگزیند که واقف آن به تقوی نزدیکتر و از بدعت دورتر باشد.

۲- تا آنجا که ممکن است از مدرسه‌ای که سلاطین ساخته‌اند و کیفیت بنا و وقف آن مجهول است اجتناب ورزد.

۳- مدرسه‌ای را انتخاب کند که استادان آن دارای فضل و دیانت و عدالت و دوستدار فضلا و مشوق دانشجویان باشند.

۴- از شرایط و مقررات اقامت در مدرسه آگاه باشد تا بتواند قیام به آن شرایط و عمل به آن مقررات بکند.

۵- اگر واقف سکونت در مدرسه را منحصر به مرتبان کرده است (یعنی کسانی که در مدرسه مقام و منصبی خاص دارند و در برابر آن شهریه دریافت می‌کنند) دیگران باید با اجازه و شرایط خاص ساکن شوند.

۶- اوقات اقامت در مدرسه را به معاشرتها و صحبتهایی که حال را فاسد و مال را ضایع می‌کند نگذراند.

۷- با اهل مدرسه به تقدم سلام و اظهار دوستی و احترام مبادرت ورزد و از خطاهایشان درگذرد و رازهایشان را فاش نسازد.

۸- در همسایگی کسی سکنی‌گزیند که صالح تر و جدی باشد تا او

